

**سازه مفهومی خرد در نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)**

احمد مسائلی \*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

**چکیده**

در پژوهش‌های دینی، مفهوم‌شناسی واژه‌ها از نیازهای اساسی به شمار می‌رود زیرا وارد شدن به مباحث اصلی بر آن مترتب است. مفهوم‌شناسی واژه‌ی خرد (عقل) نیز به عنوان مسئله‌ی اصلی این پژوهش، در تحلیل و تبیین مباحث مربوط به خردورزی بسیار ضروری است زیرا کاربرد نادرست و نامفهوم آن موجب مغالطه و خلط در موضوع و خروج از بحث می‌گردد این نوشتار با بهره‌گیری از روش کیفی تلاشی است جهت شناخت و تعریف سازه‌ی خرد که طی آن علاوه بر واژه‌شناسی، به بررسی دقیق مدلول استعمالی و اصطلاحی و نیز جایگاه آن در کل نظام معنایی متون دینی پرداخته و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که سازه خرد در مبانی تفکر اسلامی عبارت است از یک حالت نفسانی و کیفیتی روحانی است که بیانگر علم و دانایی و در مصادیقی از علم همانند دور اندیشی و تفکر و زیرکی و عبرت‌گیری و علم مطبوع و حل مساله بکار رفته است. این تحقیق برای اولین بار به بررسی تحلیل مؤلفه‌ی این سازه پرداخته شده و در نوع خود بدیع است و اگر واژه‌ی خرد به گونه‌ای صحیح تفسیر و تبیین گردد رشد عقلی بشریت را تضمین می‌نماید.

**واژگان کلیدی**

سازه خرد، تحلیل مؤلفه‌ی، مفهوم‌شناسی، گوهر معنایی، نهج البلاغه.

ahmadmasaeli@gmail.com

\*. استادیار، گروه معارف، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

## مقدمه

برای فهم یک سازه روان شناختی نیازمند به طی مراحل روش فهم یک سازه هستیم و سوال اصلی در روش فهم یک سازه عبارت است از اینکه چگونه می توان هر مفهوم را در منابع اسلامی به گونه ای توصیف نمود که برای عملیاتی سازی آن به عنوان موضوعی برای روان سنجی یا طراحی مداخله های روان شناختی و پژوهش های توصیفی به کار آید. (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۶۹-۷۰)

جهت انجام یک تحقیق کیفی یا پژوهش توصیفی بر روی یک سازه روان شناختی یا ساخت مقیاس های روان شناختی نیازمند به طی یک پروسه سه مرحله ای هستیم که در سه محور تعریف سازه، کشف مؤلفه های مفهومی و ساخت مقیاس مطرح می گردد. تعریف سازه یا تحقیق کیفی یک سازه نیز در مراحل سه گانه گوهر معنایی، معانی استعمالی یا معنای استعمالی و معنای اصطلاحی و معانی اصطلاحی در بین دانشمندان یک فن یا متون تخصصی یا در مراحل چهار گانه گوهر معنایی، معانی استعمالی، معانی اصطلاحی در متون تخصصی و معانی اصطلاحی در متون دینی (scared Text) مطرح می گردد. (این فرض در مواردی است که یک سازه هم در متون تخصصی (علمی، فلسفی، عرفانی) و هم در متون دینی به آن پرداخته شده باشد.) در هریک از مراحل سه گانه یا چهار گانه فوق می توان به بحث تحلیل مؤلفه ای پرداخت و مؤلفه های سازه مورد نظر را استخراج نمود و تحقیق کیفی را به سرانجام رسانید و سپس اقدام به ساخت مقیاس یا ابزار مورد نیاز نمود.

## ۱-۱- بیان مسئله پژوهش

تحقیقات کیفی از با ارزش ترین تحقیق ها و پژوهش ها هستند که در موارد بسیار زیادی نتایج آنها دارای کاربری است که از آن جمله به ساخت مقیاس های سنجش خرد یا عقل و همچنین ساخت برنامه های آموزش خرد ورزی می توان اشاره نمود. سوال اصلی این تحقیق کیفی بررسی چیستی سازه خرد در نهج البلاغه است که بر اساس آن به بررسی تمام موارد عقل و مرتبطات آن در نهج البلاغه پرداخته شده است و سپس اقدام به تحلیل محتوا در آنها پرداخته شده و بر اساس آنها مؤلفه های مفهومی استخراج شده است.

## ۲-۱- پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق باید متذکر گردید که در مورد خرد و مؤلفه های آن در روانشناسی تحقیقات فراوانی انجام شده و با روش کیفی اقدام به تحلیل محتوا شده و مؤلفه های آن استخراج شده است ولی در مورد محتوای خرد و تحلیل مؤلفه های آن در نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) به کار جدی بر خورد نکردیم

که بر همین اساس این تحقیق در سطح خویش بدیع خواه بود.

### ۳-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به ضرورت خردمندانه بودن اعمال انسان و این که خردورزی و عقلانیت مورد توجه و تاکید منابع دینی است تحلیل محتوای خرد و استخراج مؤلفه‌های آن برای ساختن پکیج‌های مداخله‌گرایانه جهت آموزش خردورزی بر اساس متون دینی و سپس ساخت مقیاس خردورزی بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده جهت سنجش میزان خردمندانه بودن هر رفتار اختیاری در این تحقیق انجام شده است.

### بحث

#### روش فهم یک سازه (مفهوم شناسی)

بعد از پذیرش شناختاری بودن متن مقدس (اگرچه متون مقدس دارای گزاره‌های سمبلیک یا تمثیلی نیز هست) و پذیرش امکان دست‌یابی به معنای متن هم اکنون نوبت بررسی این امر است که چگونه می‌توان به این امر دست یافت. تذکر این نکته هم لازم است که شناخت دین اسلام (بر اساس مبانی تشیع) تنها از طریق متون مقدس تحقق نمی‌یابد و منابع دیگری همانند عقل و اجماع به عنوان منابع فهم احکام مطرح می‌گردند، در پاسخ به این سوال باید گفت متدشناسی فهم دین با رعایت موقعیت سمانتیکی و موقعیت هرمنوتیکی تحقق پیدا می‌کند.

دیدگاه نظریه پردازان شیعی در مورد شناختاری یا غیر شناختاری بودن قرآن مجید عبارت است از اینکه آیات الهی اساساً دارای بعد شناختاری هستند ولی وجود آیاتی که ممکن است دارای بعد سمبلیک و تمثیلی باشند نیز مورد پذیرش است. (علامه طباطبائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۵)

اولین مرحله درک هر متنی واژه شناسی است که طریقی برای راه‌یابی به معنای مورد نظر گوینده یا نویسنده است، این امر در قالب مفهوم شناسی سازه‌های روانشناختی مطرح می‌گردد.

سازه‌های روان‌شناسی عبارت از عناصر معنایی و روابط میان آنها در یک مفهوم است، سازه‌های روان‌شناسی دارای مؤلفه‌های مفهومی است که چنانچه مؤلفه‌های مفهومی دارای جهت واحد باشند ابعاد مفهومی نام‌گذاری می‌گردند و هریک از مؤلفه‌های مفهومی اشاره به یک نشانگر در روان‌شناسی دارد.

#### موقعیت سمانتیکی

همان‌طور که متذکر شدیم متدشناسی فهم دین متوقف بر رعایت موقعیت سمانتیکی و هرمنوتیکی است. معناشناسی زبانی یا موقعیت سمانتیکی (language-semantics) گونه‌ای از دانش معناشناسی

است که به چگونگی کشف معنا می‌پردازد. معناشناسی با منطق و فلسفه در ارتباط است اما معناشناسی زبانی به معنای کشف چگونگی کارکرد ذهن در کشف معنا از طریق خود زبان است نه دانش خارج از آن و به طور خلاصه معناشناسی زبانی از معانی واژه‌ها و جملات زبانی بحث می‌کند. (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶) مفاهیم اجزای اصلی پیکره علم و سنگ بنای نظریه‌های علمی است (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۲۷) مفهوم شناسی فرآیند باز شناسی این اجزاء است. مفهوم شناسی فرآیند بررسی و شناسایی قصد، معنای متن و افعال فردی و اجتماعی استفاده‌کننده مفهوم در مجرای زبان است.

#### مفهوم‌شناسی در گستره مفاهیم اسلامی

مفهوم‌شناسی در گستره مفاهیم اسلامی شامل مشخص کردن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مفهومی است که از بودن یا نبودن مفهوم خاصی حکایت می‌کنند. این مؤلفه‌های مفهومی خود به نشانگرهای رفتاری یک سازه روان‌شناسی اشاره می‌کنند. مؤلفه‌های مفهومی به موضوعات مشاهده‌پذیر و مشاهده‌ناپذیر اشاره دارد که احتمالاً دارای وجوه مشترک است.

#### کاربرد کلمات در متون

کاربرد کلمات یا واژه‌ها در متون یا در تمام زبان‌ها دارای حالت‌های متفاوت است، این کاربردها ممکن است به سه صورت اتفاق بیافتد.

- ۱- گوهر معنایی یا مدلول مرکزی یا حوزه معنایی
- ۲- معانی استعمالی
- ۳- معانی اصطلاحی

#### گوهر معنایی

مقصود از روح و گوهر معنایی مفهوم اولیه و بسیطی است که به شکل‌های مختلف در آمده و در قالب مصادیق متعدد عرضه شده است و در تمامی معانی استعمالی یا اصطلاحی جریان دارد.

با درک روح معنا یا گوهر معنایی تفاوت کاربردهای استعمالی الفاظ و ظرافت‌های موجود در الفاظ مترادف روشن می‌گردد. الفاظ بکار رفته در زبان‌ها در بعضی موارد دارای یک گوهر معنایی و در بعضی موارد دارای دو گوهر معنایی یا سه گوهر معنایی است. (معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴) (مسائلی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) (مسائلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴) (الشرتوتی، بی‌تا، ص ۱۰۹۲)

لازم به ذکر است گوهر معنایی یا روح معنایی از راه‌های گوناگونی همانند مراجعه به کتاب‌های لغتی که به این امر پرداخته‌اند و اقدام به کشف گوهر معنایی نموده‌اند همانند معجم مقاییس اللغة

احمدبن فارس یا بررسی موردی الفاظ و کشف گوهر معنایی امکان دارد. گوهر معنایی واژه کفر به عنوان مثال پوشاندن است که در موارد استعمالی متعدد بکار رفته است.

### معانی استعمالی

منظور از معانی استعمالی، کاربرد روح معنا یا گوهر معنایی به همراهی معنای جدید در میان عامه مردم است البته وجود معانی استعمالی متعدد برای یک الفاظ الزامی نیست و ممکن است یک واژه دارای چنین کاربردهای شده باشد.

واژه (کفر) به عنوان مثال دارای معانی متعددی است (کفر) به معنای تاریکی شب و هم چنین کوه بزرگ و قله ی کوه استعمال شده است و (کفر) در باره قیری که با آن کشتی را قیر اندود می کنند بکار رفته است. (کافر) به معنای دریا، نهر، کشاورز، ابر تیره، گیاه، کسی که در جایی مقیم و پنهان باشد..... بکار رفته است. (الخوری الشرتوتی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۹۲)

### معانی اصطلاحی

معانی اصطلاحی عبارت از کاربرد گوهر معنایی با عنصر یا عناصر مفهومی جدید در بین گروهی خاص همانند دانشمندان یا صاحبان حرف یا متون دینی است. کاربرد کافر در متون دینی به عنوان کسی که یک حقیقت دینی را بیوشاند بر همین اساس قابل طرح است. یکی از نظریه های مرتبط با دانش معناشناسی زبانی که زمینه مناسبی را برای مفهوم شناسی یا مفهوم سازی فراهم می کند نظریه حوزه های معنایی است. این نظریه طرحی انسجام یافته از نظام مفاهیم واژگانی زبانی است که تریب (۱۹۳۱-۱۹۳۴) و وایز گریب (۱۹۵۴) عرضه کردند و پس از آن محل توجه زبان شناسان دیگر قرار گرفت (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳) احساس نگرش حوزه های معنایی بر این پایه استوار است که اشتراک در یک ویژگی می تواند عاملی برای طبقه بندی واژه ها در یک حوزه باشد.

نظریه حوزه های معنایی بر پایه یک سری اصول تبعی مربوط به معنا شناسی زبانی مبتنی است، یکی از این اصول تحلیل مؤلفه ای است. (این همان نظریه مدلول مرکزی یا گوهر معنایی است) نظریه حوزه های معنایی با توجه به اشتراک واژه ها در یک مفهوم شکل می گیرد و تنها نیازمند شناخت این وجه اشتراک است که از راه های گوناگونی قابل حصول است که از آن جمله تحلیل مؤلفه ای است.

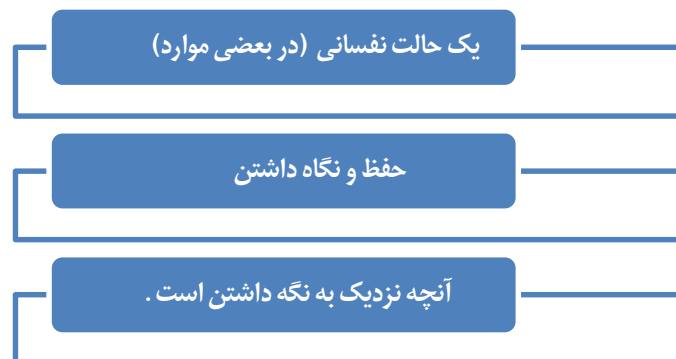
راه های کشف گوهر معنایی یا حوزه های معنایی در دو محور مراجعه به کتاب هایی که در این زمینه جهت کشف گوهر معنایی تألیف شده همانند کتاب گرانسنگ معجم مقایسی اللغه یا از طریق بررسی کاربرد های استعمالی و استخراج معنای مشترک امکان دارد. (مسائلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳-۱۲۴)

سازه خرد یک پدیده روان شناختی است که در متون تخصصی و متون دینی به آن پرداخته شده است، جهت شناخت این پدیده روان شناختی می بایستی مراحل چندگانه گذشته را مورد بررسی قرار داد. با بررسی نهج البلاغه در زمینه خرد یا عقل و مرتبطات عقل که در محورهای علم، لب (ح ۲۸۱)، نهیه، فهم (ح ۲۰۸)، رای (ح ۴۸)، بصیرت (ح ۲۷۵-۲۰۸)، تجربه (ح ۲۱۱)، عبرت گیری (ح ۲۹۷)، حزم (ح ۴۸)، حکمت (ح ۸۰-۱۹۷)، فطانت (ح حکمت ۳۱)، فقه (ح ۹۰)، و تفکر (ح ۱۱۳) و کیاست (ح ۱۴۵) و رویه (ح ۲۸۱)، حق (ح ۴۰۸)، فکر مغمور (ح ۳۳۳) (ژرف اندیشی) مطرح شده است می توان مؤلفه های عقل را استخراج نمود و سپس به ساخت مقیاس اقدام نمود.

### گوهر معنایی عقل

مقصود از روح و گوهر معنایی مفهوم اولیه و بسیطی است که به شکل های مختلف در آمده و در قالب مصادیق متعدد عرضه شده است و در تمامی معانی استعمالی یا اصطلاحی جریان دارد. همان طور که متذکر شدیم نحوه کشف گوهر معنایی به دو صورت مراجعه به کتاب هائی که در این زمینه تالیف شده یا کشف معنا از طریق کاربردهای استعمالی یا اصطلاحی ممکن است. در معجم مقاییس اللغة آمده است که عقل: العین و القاف و اللام اصل واحد است و به معنای حبس و نگه داشتن در چیزی یا آنچه نزدیک به نگه داشتن است. (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱) (طریحی، بی تا، ج ۶-۵، ص ۴۲۵) طریحی می نویسد: اعتقل لسان فلان: اذا حبس و منع من الکلام و العاقل هو الذی یحبس نفسه و یردها عن هواها. (زبان فلانی اعتقال شد یعنی از کلام منع و حبس شد و عاقل کسی است که جلوی نفس خویش را می گیرد و مانع خواسته های نفس می شود.)

### مؤلفه های گوهر معنایی خرد



## معانی استعمالی واژه خرد

کاربرد های استعمالی واژه خرد عبارت است از :

- الف- عقل : قوه متهیئه برای قبول علم، حفظ کننده از سخن و عمل بد (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱)
- ب- عقل : علم و تفیض جهل (خلیل بن احمد فراهیدی نقل از (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱) (زمخشری، بی تا، ص ۳۰۹)
- پ- عقل : به معنای دیه (چون باعث حبس و حفظ خون می شود.) (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۸۱-۲۸۰)
- ت- عقال : صدقه (صدقہ را عقال گویند چون صاحبش را از درخواست آن منع می کند.) (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹)
- ث- عقيله : محبوس در پوشش (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹)
- ر- عقل : دردی در پاها در جایی که دو زانو با هم تماس داشته باشد. (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹)
- ز- عقال : بیماری که چهارپایان در پاهایشان به آن مبتلا می شوند که مانع حرکت آنها می شود. (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹)
- س- عقال : چاهی که زود دارای آب می شود و از عمق زیاد برخوردار نیست و عمق کم مانع فرو رفتن آب شده است. (ابی الحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹)

## مؤلفه های مفهومی

- الف- حفظ و نگاه داشتن یا آنچه نزدیک به حفظ و نگاه داری است .
- ب- حفظ و نگاه داشتن توسط علم، درد یا بیماری، پوشش، خاک، بخشش، نیروی عقل

الف- یک حالت روان شناختی در بعضی موارد

ب- آنچه نزدیک به حفظ و نگه داری است

پ- حفظ و نگه داشتن توسط علم ، درد ، پوشش ، خاک ، بخشش ، نیروی عقل

### کاربرد اصطلاحی واژه عقل

شریف جرجانی می نویسد: الصحیح انه جوهر مجرد یدرک الغائبات بالوسائط و المحسوسات بالمشاهده . (میر سید شرف علی بن محمد جرجانی، بی تا، ص ۶۵)

عقل : جوهر مجرد من الماده فی ذاته مقارن لها فی فعله و هی النفس الناطقه اللتی یشیر الیهها کل احد بقوله انا و قیل العقل جوهر روحانی خلقه الله تعالی متعلقا ببدن الانسان و قیل العقل نور فی القلب يعرف الحق و الباطل. عقل امری است که ذاتا مجرد است ولی در انجام کارهایش مقارن با ماده است و به آن نفس ناطقه که هر کس به آن با (من) اشاره می گویند و گفته شده است که عقل امر مجردی است که خداوند متعال او را خلقت کرده است و متعلق به بدن است و گفته شده که عقل نوری در قلب است که با آن حق و باطل شناخته می شود . (میر سید شرف علی بن محمد جرجانی، بی تا، ص ۶۵)

### تحلیل مؤلفه ای خرد در متون دینی

مؤلفه های خرد بر اساس خطبه ها و نامه های و حکمت های نهج البلاغه با بررسی کل نهج البلاغه در مورد خرد و مرتبطات آن مؤلفه های مفهومی خرد را این چنین می توان بیان نمود.

الف- یک حالت درونی و روان شناختی

ب- حفظ کننده

ب- علم ( که در مصادیق عبرت گیری - بکارگیری عقل - دور اندیشی - علم مطبوع و مسموع -

حکمت - تفکر و دانایی - حل مساله محقق می شود.)





الف- یک حالت روان شناختی

ب- حفظ و نگه داری .

پ- حفظ و نگه داشتن توسط علم در مصادیق  
عبرت گیری - دور اندیشی ...

۱- عبرت گیری ( تجربه آموزی)

الف- خطبه ۱۹۲-۱۹۱-۱۹۰-۱۸۶-۱۸۲-۱۴۸-۱۴۹-۱۰۰-۸۸-۸۳

ب- نامه ۷۸-۶۹-۶۵-۳۱

پ- حکمت ۳۱-۲۰۸-۲۹۷

۲- علم و بکارگیری عقل

الف- خطبه ۱-۲-۱۴-۳۴-۲۲۲-۴۹-۸۳-۸۵-۹۱-۱۰۹-۱۴۴-۱۴۵-۱۷۶-

۱۶۶-۱۶۵-۱۶۰-۱۸۲-۱۸۹-۲۱۵-۲۲۰

ب- نامه ۷۸-۶۶-۶۳-۵۳-۴۴-۶-۳

ت- حکمت ۴۰-۲۸۱

۳- دور اندیشی

الف- نامه ۵۳

ب- حکمت ها ۱۱۳-۱۸۱-۳۳۳

۴- علم ( مطبوع و مسموع)

الف- خطبه ۲۳۹-۱۸۶-۸۳

ب- حکمت ۵-۴۰-۵۴-۶-۳۸-۷۹-۸۰-۹۰-۱۱۳-۱۴۷-۱۴۲-۱۱۹-۱۹۷-۱۷۳-

۲۱۲-۲۱۱-۲۰۵-۲۷۵-۲۵۳-۲۱۹-۲۹۳-۲۸۸-۲۸۴-۴۰۷-۳۳۸-۴۲۴-۴۲۱

۵- تفکر

خطبه ۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵

حکمت ۴۰-۲۸۱-۴۸

۶- دانایی

حکمت ۳۸

۷- حل مساله (تفکر)

حکمت ۴۰ - حکمت ۲۸۱

سیر حکمت‌ها در زمینه عقل در نهج البلاغه

سیر حکمت‌ها در بحث عقل ورزی

۱- حکمت ۳ (مرد زیرک)

الْجُلُّ عَارٌ وَالْجِبْنُ مَنْقَصَةٌ وَالْفَقْرُ مُحْرَسُ الْفِطْنِ عَنْ حُجَّتِهِ.

بخل و تنگ چشمی ننگ است و ترسو بودن نقص و کاستی است و تنگدستی زیرک را از بیان حجت و دلایلش گنگ و لال می‌گرداند.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد زیرکی یا فطانت که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

۲- حکمت ۵ (علم)

الْعِلْمُ وَرِثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ وَالْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ.

دانایی میراثی است شریف و گرامی و خوهای پسندیده زیورهایی است تازه و نو و اندیشه (در هر کاری) آئینه صاف و پاک است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که معنای خرد است صحبت فرموده است.

۳- حکمت ۶ (عقل، دانایی و علم)

صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ.

سینه خردمند مخزن راز او است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از معنای خرد است صحبت فرموده است.

۴- حکمت ۳۱ (بصیرت - یادگیری حکمت)

الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْمُجَاهِدِ... وَالْيَقِينُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعٍ شُعَبٍ: عَلَى تَبَصُّرَةِ الْفِطْنَةِ (شناخت دانایی) وَتَأْوِيلِ الْحِكْمَةِ (شناخت حکمت‌ها یا شناخت بازگشت حکمت‌ها) وَمَوْعِظَةِ الْعِبْرَةِ وَسُنَّةِ الْأَوْلِيَيْنِ... فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ وَمَنْ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَمَا كَانَ فِي الْأَوْلِيَيْنِ.

ایمان بر روی چهار ستون استوار است: صبر و شکیبایی، یقین و باور، عدل و داد، جهاد و کوشش..... و یقین از آنها بر چهار گونه است بینا شدن در زیرکی، رسیدن به حقایق، عبرت گرفتن از دیگران، روش پیشینیان، پس هر که در زیرکی بینا شد راه راست (در علم و عمل) برای او هویدا گشت و هر که حکمت و راه راست برای او آشکار گردید به پند گرفتن از احوال آشنا شد و هر که به پند گرفتن از احوال آشنا شد به آن ماند که در پیشینیان بوده است. در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد فطانت یا دانایی که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۵- حکمت ۳۸ (عقل - دانایی و علم)

إِنَّ أَعْيَى الْعَقْلِ وَأَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُقُ (بالاترین بی نیازی عقل و بزرگترین فقر حماقت است)

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم و دانایی که معنای خرد است صحبت فرموده است.

۶- حکمت ۴۰ (عقل - دانایی و علم - تفکر - سنجیدن نتایج امور)

لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ

زبان خردمند پشت دل او است و دل احمق پشت زبان او است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد تفکر و سنجیدن نتایج امور که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۷- حکمت ۴۸ (حزم - اندیشیدن در مورد تمام جوانب یک امر)

الظُّفْرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِاجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِعَصْنِ الْأَسْرَارِ.

فیروزی یافتن به حزم و خودداری است و حزم بکار انداختن اندیشه است و اندیشه به نگه داری اسرار و نهانی ها است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد حزم (دور اندیشی) که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

۸- حکمت ۵۴ (عقل - علم - مشاوره)

لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فُقْرٌ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاتٌ كَالْأَدَبِ، وَلَا ظَهْرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ.

نیست بی نیازی مانند خرد (زیرا خرد راه بدست آوردن سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت را نشان می دهد) و نیست بی چیزی مانند نادانی (زیرا نادان در بدست آوردن هر چیز به



پرسش از دیگری نیازمند است ) و نیست میراثی مانند ادب و نیست پشتیبانی مانند مشورت و کنکاش ( زیرا از مشورت اندیشه درست بدست می آید )  
 در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم و مشورت که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۹- حکمت ۷۹ ( حکمت ) ( حکمت از مصادیق علم است )  
 خُذِ الْحِكْمَةَ أَنْى كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ، فَتَلْجِجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ.

حکمت ( سخن درست و موافق حق ) را فراگیر هر جا باشد ( خواه نیکوکار خواه از بدکار ) که حکمت در سینه منافق و دو رو هم هست و در آنجا ( که شایسته نگاه داری حکمت نیست ) در اضطراب و نگرانی است تا ( از زبان او ) بیرون آید و در سینه صاحب خود مؤمن جا گیرد.  
 در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد حکمت که از مرتبطات خرد و از مصادیق علم است صحبت فرموده است.

۱۰- حکمت ۸۰ ( حکمت ) ( حکمت از مصادیق علم است )

الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ؛ تَخُذُ الْحِكْمَةِ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ.

حکمت گمشده مؤمن است پس حکمت را بدست بیاور و لو از اهل نفاق.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد حکمت که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است .

۱۱- حکمت ۹۰ فقه ( علم )

الْفَقِيهَ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْسِسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.

( دانای فهمیده و زیرک کسی است که مردم را از رحمت و آمرزش خدا مایوس نکند و ایشان را از آسایش و خوشی از جانب خدا نومید نسازد و آنها را از مکر و کیفر خدا ایمن و آسوده ننماید . )

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد فقه (علم) که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

۱۲- حکمت ۱۱۳ عقل ( تدبیر و دور اندیشی )

لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا وَخَلَقَ أَوْحَسُ مِنَ الْعُجْبِ وَلَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ

هیچ دارائی پرسودتر از خرد نیست ( زیرا خرد سعادت دنیا و آخرت را در بر دارد ) و هیچ تنهائی ترسناکتر از خود پسندی نیست ( زیرا خود پسند مردم را از خود پست تر پنداشته و آنها هم از او دوری کنند و تنها ماند. ) و هیچ عقلی چون تدبیر و اندیشه نیست . ( زیرا اندیشه راه را آماده و استوار می سازد )

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد تدبیر و دور اندیشی که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

### ۱۳- حکمت ۱۱۳ ( علم )

وَلَا عِلْمَ كَالْتَّفَكُرِ ( هیچ علمی مانند تفکر و پیش بینی نیست )

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد تفکر که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

### ۱۴- حکمت ۱۱۹ ( لب و عقل و علم )

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ، لَئِنْ مَسَّهَا وَالسَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا؛ يَهْوِي إِلَيْهَا الْعُرْجَاءُ الْجَاهِلُ، وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ.

(داستان دنیا چون داستان مار است که دست بر آن بکشی نرم و در اندرونش زهر کشنده

است ، فریب خورده نادان به طرف آن می رود و خردمند پایان بین از آن دوری می گزیند.)

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد لب (عقل) که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

### ۱۵- حکمت ۱۴۲ ( عقل ) ( مصداقی از علم )

التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ.

( دوستی نمودن با مردم نیمی از عقل است ) و نیمی دیگر سائر صفات یا دور ماندن از شر و

بدی ایشان است.)

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد مصداقی از علم که از مصادیق خرد است صحبت فرموده

است.

### ۱۶- حکمت ۱۴۵ ( کیس )

كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمْأُ، وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا الشَّهْرُ وَالْعَنَاءُ، حَبْدَانَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَإِفْطَارُهُمْ.

بسا روزه داری را که از روزه داشتنش جز گرسنگی و تشنگی نمی ماند و بسا نماز (شب) گزاری

که از ایستادن و نماز گزاردنش جز بیداری و رنج نیست ( چون نماز و روزه را طبق دستور انجام



نداده) چه نیک است خواب زیرکان و روزه باز کردن ایشان). در این حکمت امام علی علیه السلام در مورد کیاست که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

۱۷- حکمت ۱۴۷ (علم) (با توجه به حدیث عقل و جهل)

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ مَجَاوِزٍ وَهَجَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا نَوْرَ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ

(مردم سه دسته اند، عالم ربانی (دانای خداشناسی که به مبدا و معاد آشنا بوده به آن عمل نماید) و طالب علم و آموزنده ای که (از جهل و نادانی) بر راه نجات و رهایی یافتن است و مگسان کوچک و ناتوانند (نادان نفهم به انواع زشتیها آلوده) که هر آواز کننده ای (به هر راهی) را پی روند و با هر بادی می روند (درست را از نادرست تمییز نداده و به مذهب و طریقه ای پایدار نیستند).

در این حکمت امام علی علیه السلام در مورد علم که معنای خرد است صحبت فرموده است.

۱۸- حکمت ۱۶۱ (شرکت در علم دیگران - مشاوره)

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا

و هر که خود رأیی نمود (در کار مشورت نکرد) تباه گشت و هر که با مردان (با تجربه) شور نماید با خردهایشان شرکت می کند

در این حکمت امام علی علیه السلام در مورد شرکت در علم دیگران (مشاوره) که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۱۹- حکمت ۱۷۳ (شنیدن کلام دیگران - مشارکت در علم - علم)

مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرْءَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا

کسی که به راه های اندیشه ها رو آورد (از خردمندان کمک فکری بطلبد) جاهای خطا و اشتباه کاری را بشناسد (و از آنچه زیان دارد دوری گزید).

در این حکمت امام علی علیه السلام در مورد مشارکت در علم که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۲۰- حکمت ۱۸۱ (حزم - دور اندیشی - رای محکم)

مَرَّةٌ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ، وَمَرَّةٌ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ

(نتیجه تقصیر و کوتاهی (در امری) پشیمانی است و سود احتیاط و دور اندیشی درستی (رهایی از زیان) است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد حزم یا دور اندیشی که از مرتببات خرد است صحبت فرموده است.

۲۱- حکمت ۱۹۷ (حکمت - علم استوار)

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ

این دلها ( از فکر و اندیشه در یک موضوع) بستوه آمده خسته می شوند ( بجهت یکنواخت بودن اجزاء آن با یکدیگر ) چنانکه بدنها و تن ها ( از خوردن یک خورش و کار یک رنگ انجام دادن ) بستوه آمده خسته می شوند ، پس برای ( رفع خستگی ) آن دلها حکمت ها و دانش های تازه و شگفت آور را بطلبید .

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد حکمت (علم استوار) که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است .

۲۲- حکمت ۲۰۵ (علم)

كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جَعَلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

هر ظرفی تنگ می گردد ( پر می شود ) بآنچه درون آن می گذارند مگر ظرف علم و دانش (سینه و دل) که (چون علم در آن راه یافت ) فراخ می گردد (و گنجایش دارد برای پذیرفتن علم دیگر).

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از معنای خرد است صحبت فرموده است.

۲۳- حکمت ۲۰۸ (بصیرت - عبرت گیری)

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا، وَمَنْ خَافَ أَمِنَ، وَمَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَمَنْ أَبْصَرَ فَهَيِّمَ، وَمَنْ فَهَيِّمَ عَلِمَ.

هر که بحساب خویش رسیدگی نمود سود برد و هر که از آن غافل ماند زیان کرد و هر که ( از خدا ) ترسید ( از عذاب و کیفر روز رستخیز ) آسوده باشد و هر که (از دنیا) پند گرفت ( در کار آخرت ) بینا گردید و هر که بینا شد ( نیک و بد را ) فهمید و دریافت و هر که فهمید ( بخدا شناسی ) دانا گردید.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد بصیرت (عبرت گیری) که از مرتببات خرد است صحبت فرموده است.

۲۴- حکمت ۲۱۱ (عقل - علم)

كُرِّمَ مِنْ عَقْلِ أَسِيرٍ نَحَتْ [عِنْدَ] هَوَى أَمِيرٍ.

و بسا عقل و خرد که اسیر و گرفتار هوا و خواهشی است که بر او فرمانروا است.  
در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۲۵- حکمت ۲۱۱ (تجربه - علم)

مِنَ التَّوْفِيقِ حِفْظُ التَّجَرُّبَةِ

از رسیدن و دست یافتن بکار نیک نگاه داری تجربه و آزمایش است.  
در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد تجربه که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۲۶- حکمت ۲۱۲ (علم - عقل)

مُحِبُّ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ أَحَدُ خُسَاةِ عَقْلِهِ.

خود بینی شخص یکی از رشکبران خرد او است ( زیرا مقتضی عقل زیاده کردن خواهی نیکو است و خود بینی جلوگیری آن می باشد پس مانند است که به عقل رشک برده و زیاده کردن فضایل را جلو گرفته.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد یکی از اموری که به خرد آسیب وارد کند صحبت فرموده است.

۲۷- حکمت ۲۱۹ (عقل - علم)

أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ، نَحْتُ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ

بیشتر جاهای بخاک افتادن ( لغزش) خردها زیر درخشندگیهای طعمها و آرها است ( طمع آدمی را از آسمان عقل و بزرگواری به پستی و خواری کشاند.  
عواملی که به عقل (فهم) آسیب وارد می کند، طرح یک بعد جدید از ابعاد روان شناختی انسان.

۲۸- حکمت ۲۳۵ (عقل - نیروی درک)

وَقِيلَ لَدْصِفْ لَنَا الْعَاقِلَ فَقَالَ هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ فَيَقِيلُ فَصِفْ لَنَا الْجَاهِلَ فَقَالَ قَدْ فَعَلْتُ.

به امام (علیه السلام) گفتند خردمند را برای ما وصف کن پس آن حضرت ( در نشانه خردمند ) فرمود:  
خردمند کسی است که هر چیز را بجای خود گذارد ( بگوید آنچه سزاوار است و بجا آورد آنچه شایسته است ) گفتند نادان را برای ما بیان فرما فرمود: بیان کردم.



در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۲۹- حکمت ۲۵۲ (عقل - علم)

فَرَضَ اللَّهُ ... تَرَكَ شُرْبَ الْخَمْرِ تَحْصِينًا لِلْعَقْلِ.

و نیاشامیدن شراب را برای محفوظ داشتن خرد (از فساد و بدی).

۳۰- حکمت ۲۷۵ (بصیرت ، علم)

الْأَمَانِيُّ تُعْمِي عُيُونَ الْبَصَائِرِ.

آرزوها دیده های بینائیها را کور می نماید.

۳۱- حکمت ۲۸۱ (رویه = عقل)

لَيْسَتْ الرُّؤْيَةُ كَالْعَايِنَةِ مَعَ الْإِبْصَارِ، فَقَدْ تَكْذِبُ الْعُيُونُ أَهْلَهَا، وَلَا يُعِشُّ الْعَقْلُ مَنْ اسْتَصْحَبَهُ.

تفکر همانند دیدن نیست گاهی زیرا گاهی چشم ها دروغ می نمایند اما آن کسی که از عقل نصیحت خواهد به او خیانت نمی کند.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد رویه که از مرتبطات خرد است صحبت فرموده است.

۳۲- حکمت ۲۸۴ (علم)

قَطَعَ الْعِلْمُ عُذْرَ الْمُتَعَلِّلِينَ.

علم و دانستن ( احکام دین ) راه بهانه جویان را ( که می گویند: خدا کریم است و رحیم و نیازی برنج و بندگی ما ندارد ) می بندد.

۳۳- حکمت ۲۸۸ (علم)

إِذَا رَدَّلَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ.

هر گاه خداوند بنده ای را ( بر اثر گناه ) پست گرداند علم و دانش را بر او منع کند. ( او را توفیق ندهد تا از علم دین و احکام الهی که موجب سعادت و نیکبختی است بهره مند گردد. ) این فرمایش دلیل است بر اینکه نادانی بدترین بیچارگی ها است.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که معنای خرد است صحبت فرموده است.

۳۴- حکمت ۲۹۳ (دستور پیروی از علم - نهی از همراهی احمق)

لَا تَصْحَبِ الْمَأْتِقَ فَإِنَّهُ يُزِينُ لَكَ فِعْلَهُ وَيُؤَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ

همنشین احمق مباش زیرا ( بر اثر بی خردی خود ) کارش را در نظر تو زینت می آراید و

دوست دارد تو مانند او باشی ( حماقتش را پیروی نمایی )

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از معنای خرد است صحبت فرموده است.

۳۵- حکمت ۲۹۷ ( عبرت ها - علم ( نمونه ای از علم مسموع )

مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَأَقْلَّ الْإِغْتِيَانِ.

چه بسیار است عبرت ها و پندها ( از روزگار و پند دهندگان ) و چه کم است پند پذیرفتن.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد عبرت گیری که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.

۳۶- حکمت ۳۱۹ ( اثر تکوینی فقر بر عقل )

فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقِصَةٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ.

تنگدستی جای شکست و کم بودی در دین است ( چون تنگدستی بسا شخص را خیانت و

دروغ گفتن و خواری و کمک نکردن از حق وادارد که اینها نقص در دین می باشد ) و جای

سرگردانی خرد است ( چون فقیر ناشکیبا راه راست را گم کند و در کار خود عقلش حیران و

اندیشه سرگردان شود ) و موجب دشمنی است.

۳۷- حکمت ۳۳۳ ( ژرف اندیشی )

مِنْ خِصَائِصِ الْمُؤْمِنِ... مَغْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ.

از ویژگی های مؤمن... در فکر و اندیشه اش ( در بندگی و پایان کار ) فرو رفته

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد مغمور بفکرته ( ژرف اندیشی ) که از مصادیق خرد است صحبت

فرموده است.

۳۸- حکمت ۳۳۸ ( علم ) ( قسمتی از عقل مطبوع و قسمتی مسموع )

الْعِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ؛ وَلَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ، إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ.

علم بر دو نوع است یکی علم مطبوع و علمی که طبیعی و فطری ( اثرش در کردار آشکار )

باشد و دیگری علم مسموع و شنیده شده ( از راه آموختن و مطالعه ) و علم مسموع سود

نهدد و هرگاه مطبوع نباشد ( شخص را بحقایق نرسانده نیک بخت نگرداند.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم مطبوع و مسموع که از مصادیق خرد است صحبت

فرموده است.

۳۹- حکمت ۴۰۷ ( علم ) ( علم مطبوع )

مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ أَمْرًا عَقْلًا، إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمَ مَا

خداوند عقل را در مردی ودیعه ننهاد (نبخشیده) مگر آنکه او را با آن یکی از روزها (با چاره سازی آن از فتنه و تباهی دنیا یا بوسیله طاعت و بندگی از گرفتاری آخرت) رهائی دهد. (این حدیث بیانگر بعد کارکردی است)

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم مطبوع که از مصادیق خرد است صحبت فرموده است.  
۴۰- حکمت ۴۲۱ (علم)

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ، مَا وَضَّحَ لَكَ سُبُلَ عَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ.

بس است ترا (سود بردن) از عقل و خرد که راه های گمراهیت را از راههای رستگاریت به تو آشکار می سازد. (زیرا این سود همه سودها را در بر دارد). بیانگر بعد ارزشی و شناختی است.  
در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که معنای خرد است صحبت فرموده است.  
۴۱- حکمت ۴۲۴ (علم)

الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَائِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلْلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ.

در این حکمت امام علی (علیه السلام) در مورد علم که از معنای خرد است صحبت فرموده است.

#### نتیجه گیری

مؤلفه های مفهومی خرد بر اساس کلمات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه عبارت است از: (اگرچه تمام مؤلفه ها به علم باز می گردد ولی مصداق یابی به کشف دقیق تر مؤلفه ها و ساخت مقیاس کمک می کند)

۱- علم (در برابر جهل)

۲- دانایی (در برابر حماقت) (فهم) (عقل به معنای دانایی)

۳- دور اندیشی (حزم) ژرف اندیشی (مغمور بفکرته) (جولان رای)

۴- تفکر (حل مساله)

۵- عبرت گیری (تجربه)

۶- علم مطبوع و مسموع

۷- حل مساله

همان طور که در چکیده متذکر شدیم سازه مهومی خرد در نهج البلاغه همان طور که در جوامع روایی مطرح است به معنای علم است ولی در مقام مصداق یابی به هفت مورد بالا می توان اشاره نمود.

## منابع

### قرآن مجید

- نهج البلاغه، ترجمه: سید علینقی فیض الاسلام، تهران: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۴ ش، *النهايه في غريب الحديث والاثر*، قم: اسماعیلیان.
  ۲. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا بن حبیب، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۳. جرجانی، میر سید شرف علی بن محمد، بی تا، *کتاب التعریفات*، طهران: انتشارات ناصر خسرو.
  ۴. خوری شرتوتی، سعید، ۱۴۰۳ ق، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد*، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
  ۵. راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ ق، *مفردات راغب*، طهران: مکتبه المرتضویه.
  ۶. زمحشری، محمود بن عمر، ۱۳۹۹ ق، *اساس البلاغه*، بیروت: دار صادر.
  ۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۸. طریحی، فخر الدین محمد، بی تا، *معجم البحرین*، طهران: مکتبه المرتضویه.
  ۹. مسائلی، احمد، ۱۳۹۱ ش، *تاریخ نبی اکرم محمد بن عبدالله ﷺ*، اصفهان، کانون پژوهش.
  ۱۰. مسائلی، احمد، ۱۳۹۶ ش، *نظریه تفسیری ابن عربی*، اصفهان: کانون پژوهش.

### مقالات

۱۱. پسندیده، عباس، در آمدی بر روش شناسی فهم معارف روان شناختی از احادیث، *مجله علوم حدیث*، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، ص ۸۸-۱۰۹.
۱۲. پسندیده، عباس، ۱۳۹۶ ش، روش مفهوم شناسی موضوعات اخلاقی و کار بست آن در مفهوم حیا، *دوفصلنامه ی علمی پژوهشی اخلاق و حیاتی*، (۱)۷ ص ۶۷-۹۶.